

بسم ربنا الأقدس الأعظم العلیّ الأبھی

الحمد لله نعمت آيات ظاهر و مائده بیّنات نازل افنده و قلوب صافیه بطراز الفت بديعه مزین حمد مالک وجود و مربی غیب و شهود را لایق و سزا که ذکرش را توقفی نه و بیانش را منعی مانع نه اراده اش غالب و مشیتش محیط جلّ اقتداره و جلّت عظمته و جلّ اختیاره و لا اله غیره این ایام اگرچه اخبار صحّت و سلامتی آن حضرت و حضرات آقایان افنان علیهم بهاء اللہ و عنایاته در عرصه مالک ادیان ظاهر و مشهود و لکن ذکر جدید را لذتی دیگر و حلاوتی دیگر است چندی قبل دستخطّ عالی بمثابه پیک روحانی رسید فی الحقیقه فرح و حزن هر دو از آن مشهود فرحش افسردگی عوالم حزن و کسالت آن را از میان برداشت و حزنش بر غم ایام افروز و لکن چون بلایا و زایا و خسارات و انقلابات در ایام دوست یکتا و فی سبیلہ تعالی وارد فی الحقیقه مطلع فرح عالم و مشرق سرور امم است اگر عالم و امم بادراک این مقام فائز شوند و یا فائز شویم الأمر بید اللہ یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید و بعد از قرائت و اطلاع قصد مقام مالک ابداع نموده بعد از اذن عرض شد و بشرف اصغاء مولی الوری فائز گشت هذا ما نزل فی الجواب من لدی اللہ مالک المبدأ و المآب قوله عزّ بیانہ و جلّ برهانه

بسمه المهیمن علی الأسماء

یا ایها المذكور لدى المظلوم والقائم امام الباب اسمع ما ينطق به ربّ الأرباب فی المآب انه یجذبک و یقرّبک و یخلّصک من احزان الدنیا و حوادثها و یجعلک ناطقاً بشائیه و متوجّهاً الی انوار وجهه و قائماً علی خدمه امره فی العشیّ و الاشراف امروز از مشرق قلم اعلی نیر استقامت مشرق و لائح و از مطلع بیان فرات عرفان جاری طوبی لمن وجد و اخذ و شرب و ویل للغافلین حقّ جلّ جلاله در این یوم مبارک اقدس ابھی بکلّ اسماء ظاهر طوبی لعبد وجد عرف البیان و فاز بما کان مرقوماً من قلم الوحی فی الزّبر و الألواح یا افنانی علیک بهائی و عنایتی از قبل این کلمه علیا از لسان مالک ملکوت اسماء نازل و همچنین در این حین مبین مرّه اخری ظاهر افنان سدره مخصوص خدمت امر از عدم بعرضه وجود آمده اند در جمیع احوال و احوال باید بان متمسک باشند اوست سبب علوّ و علّت سموّ و ظهور آنچه حال از عقول و ابصار مستور است یا افنانی لعمر اللہ سوف یظہر ما رقم من قلم مالک القدم یشهد بذلك من عنده امّ الكتاب امروز باید آن جناب باسبابی که سبب ارتفاع کلمه و ارتقاء وجود است تمسک نمایند و سبب جذب و انجذاب و شوق و اشتیاق مقبلین و مشتاقین گردند در لوح دنیا این کلمه علیا نازل یا افنانی علیک بهائی و عنایتی خیمه امر الهی عظیم است جمیع احزاب عالم را فراگرفته و خواهد گرفت روز روز شماسست و هزار لوح گواه شما بر نصرت امر قیام نمائید و بجنود بیان بتسخیر افنده و قلوب اهل عالم مشغول شوید باید آن افنان این ایام تمسک نماید بآنچه سبب نشاط و انبساط اهل عالم است از خسارت و امثال آن محزون مباشید سبب و علّت آن عدم توجه بامر امر بوده و علّت عدم توجه عفو و عطای مقصود عالمیان یشهد بذلك کتبی و زبری و الواحی و ما انزلناه فی هذا السّجن الذی جعله اللہ من اعلی المقام و این خسارت هم چون مبدء و اسبابش دنیا بوده لایق حزن نبوده و نیست چه که شاید این خسارت سبب نعمت و علّت راحت اهل عالم گردد چنانچه در اواخر عهد پادشاه مغفور فتحعلی شاه رحمه اللہ هر یوم ضرری و ضرری بر والد وارد و احدی از حکمت و سرّ آن آگاه نه تا آنکه اراده الهی و مشیت ربّانی فی الجمله کشف غطا شد و

سبب و علت آن بمتابۀ نور آفتاب ظاهر و روشن گشت چه که با بقاء آن اسباب ظهور این امر از مطلع برهان مشکل بود باری عند ربک خزائن العلوم لا تحزن و لا تخف افرح بفرحی الأكبر و کن مسروراً بسرور ربک العظیم الخبیر و آنچه الیوم لازم اسبابیست که سبب تقرّب ناس بوده و هست اگر در سایر بلاد عباد الهی عمل مینمودند بآنچه که در سجن اعظم حزب الله بآن عامل حال اکثری از خلق بحقّ توجه مینمودند و بآنچه سبب خلود در جنت بیان است فائز میگشتند در محرم و ماه مبارک رمضان نفس حقّ بما ینبغی عمل نموده و مینماید قل یا حزب الله خذوا کتاب الله بقوة من عنده ثمّ اعملوا به انه یحفظکم و یحرسکم بسلطانه و یرفعکم باسمه بین عبادہ انه هو العزیز الفیاض قل

الهی الهی اسألك بالدماء المسفوكة فی سبیلک و بما ورد علی مظهر نفسک فی ارض الطاء من ظلم اعدائك و ضرر اشرار خلقک ان تؤید عبادک علی الرجوع الیک و القيام علی خدمة امرک انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت العزیز الفضال

البهآء المشرق اللأتح من افق سمآء عطائی علیکم یا افنانی و علی الذین شربوا رحیق العرفان من كأس بیانی و یسمعون قولکم فی هذا الأمر المبین و النبأ العظیم انتهى لله الحمد و البهآء و الذکر و الثناء چه که در ایامی که نار احزان از جهات مشتعل و نور امر مستور حضرت مالک الملک بذکر اولیا مشغول عنایتی در عالم ظاهر شده که شبه و مثل نداشته و ندارد در این ایام مبارکه در جمیع ساعات لسان عظمت برحمت مسبوکه و عنایت محیطه اش ناطق و ذاکر و از برای اولیا مقدّر فرموده آنچه را که السن و اقلام از ذکرش عاجز یسألہ الخادم ان یحفظ اولیائه من ظلم الظالمین و شماتة المشرکین و غضب المعتدین انه علی کلّ شیء قدیر

اظهار دلتنگی از حوادث روزگار و ضیق امورات فرموده بودند بعد از عرض حضور این کلمات عالیات از ملکوت بیان نازل قوله عزّ بیانه و جلّ برهانه یا افنانی علیک بهائی و عنایتی امثال این امور از شرایط ایام ظهور است امری که در اول ایام جمیع انام از آن غافل البتّه سبب ضوضا و اختلاف و انقلاب میگردد و لکن از بعد کل بامر حقیقی تبدیل میشود ظلم بعدل اضطراب باطمینان بعد بقرب انکار باقرار اعراض باقبال فقر بغنا و مسکنت بثروت کلّ ذلک کان عند ربک حتماً مقضیاً لو تعرف ما قدر لک و لمن معک لتطیر بأجنحة الاشتیاق و تجد نفسک ثابتة مستقیمة راسخة مسرورة فی هذا الأمر المبرم العزیز الحکیم باید آن جناب بشأنی حرکت نمایند که سبب فرح و سرور و جذب و انجذاب افتده و قلوب گردد بشنو نصیحت مظلوم را آنها تحفظک و تنجیک و ترفع مقامک فی الظاهر و الباطن ان ربک هو العظیم الخبیر انتهى در جمیع احوال آن حضرت باید بعنایات مخصوصه حقّ جلّ جلاله مسرور باشند در هر کلمه از کلمات الهی آب حیات مستور لازال نوشیده و مینوشند و لکن از بعد باید باوامر و احکام ناظر باشند و آنچه امر شود فی الحین بآن تمسک نمایند انشاءالله عرصه آن انجمن بآن حضرت لازال گرم و مشتعل باشد از حقّ جلّ جلاله این فقره را مکرّر این خادم مسئلت نموده و مینماید انه هو السامع المجیب

آقای مکرم حضرت افنان جناب حاجی سید محمد علیہ بهآء الله الأبھی لازال مذکور بوده و هستند این عبد خدمت ایشان و سایر حضرات افنان سدره علیهم من کلّ بهآء ابهآء و اولیای الهی و اولیای اولیای الهی سلام و تکبیر و بها میرسانم و عرض مینمایم و از برای هر یک از معدن کرم میطلبم آنچه را که باقی و دائم است ان ربنا هو المجیب و قاضی حوائج المقرّین و المخلصین البهآء و الذکر و الثناء علی حضرتکم و علی من یحبکم و یسمع قولکم فی امر ربنا و ربکم و رب من فی السموات و الأرضین

این سند از کتابخانه مراجع بهائی دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۳ مارس ۲۰۲۳، ساعت ۱۰:۰۰ بعد از ظهر